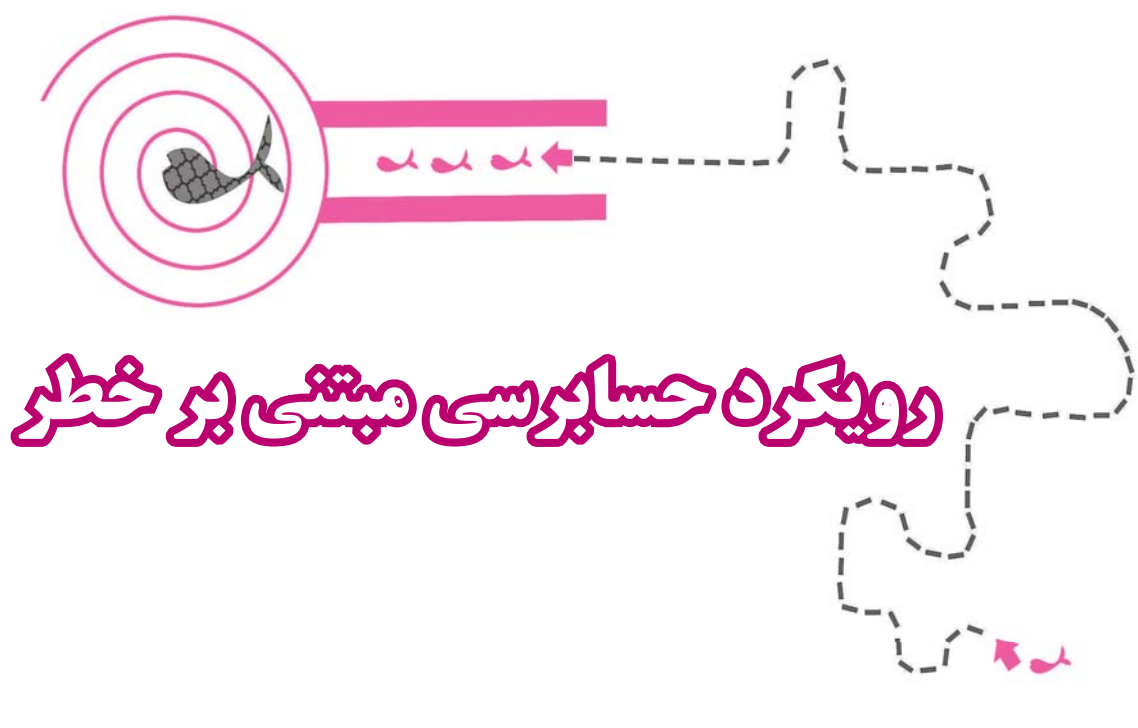




✍ ترجمه: سعید سپهرم، محمدعلی عضدی

به‌طور ویژه رویکرد حسابرسی مبتنی بر خطر را شکل می‌دهند.

رویکرد مبتنی بر خطر، در ابتدا حسابرس را به‌منظور تشخیص خطرهایی که ممکن است به تحریف بااهمیت در گزارش مالی منجر شود، به شناخت واحد تجاری و محیط آن ملزم ساخته و سپس او را به ارزیابی خطرهای مؤثر بر گزارش مالی و نیز بر سطح ادعاها فرامی‌خواند. این ارزیابی مستلزم توجه به عواملی مانند ماهیت خطر، کنترل‌های داخلی مربوط و سطح شواهد حسابرسی مورد نیاز است.

نتایج حاصل از ارزیابی، حسابرسی را به‌شکل اثربخشی به دوحیطه طبقه‌بندی می‌کند: الف- حیطه دارای خطر عمده تحریف بااهمیت که مستلزم برخورد خاص است و

رویکرد حسابرسی مبتنی بر خطر چیست

رویکرد حسابرسی مبتنی بر خطر برای استفاده در کل روند حسابرسی طراحی شده است تا ماهیت، زمان‌بندی و میزان روشهای حسابرسی را به‌صورتی اثربخش و کارا، بر حوزه‌هایی متمرکز سازد که بیشترین امکان بروز تحریف بااهمیت در گزارش مالی وجود دارد. استاندارد حسابرسی ۳۱۵ استرالیا با عنوان «تشخیص و ارزیابی خطر تحریف بااهمیت از طریق شناخت واحد تجاری و محیط آن» و استاندارد حسابرسی ۳۳۰ استرالیا با عنوان «برخورد حسابرس با خطرهای ارزیابی‌شده»، استانداردهایی هستند که همراه با سایر استانداردهای دارای اصول و روشهای خاص مرتبط با خطر و متناسب با موضوعهای مورد نظر،

واحد تجاری در روند مدیریت کسب و کار نیست؛ بلکه تنها نیازمند شناخت کنترل‌هایی (به شکل انفرادی یا ترکیبی) است (به طور مثال، کنترل‌های مربوط به گزارشگری مالی) که ممکن است مربوط به حسابرسی باشند.

چارچوب کنترل‌های داخلی از طریق تقسیم آنها به پنج عنصر زیر، یاری‌گر حسابرس در تمرکز بر کسب شناخت از کنترل‌های مربوط است:

• **محیط کنترلی:** شامل فرهنگ کنترل واحد تجاری و آثار آن؛

• **فرایند ارزیابی خطر به وسیله واحد تجاری:** یعنی چگونگی شناسایی، ارزیابی و واکنش واحد تجاری در مقابل خطرهای مربوط به کسب و کار خود؛

• **سامانه‌های اطلاعاتی مرتبط با گزارشگری مالی:** این سامانه‌ها دربرگیرنده معامله‌های عمده، رویدادها، شرایط یا برآوردهای حسابداری، روشهای مربوط به ثبت‌های غیرمعمول دفتر روزنامه، رفع مغایرت بین دفتر معین و دفتر کل، ثبت اطلاعات معامله‌ها و گزارشگری در صورتهای مالی هستند؛

• **فعالیت‌های کنترلی مرتبط با حسابرسی:** سیاست‌ها و روشهایی است که به کمک آنها از اجرای دستورهای مدیران اطمینان به دست می‌آید (به عبارتی، کنترل‌هایی که برای پیشگیری یا کشف تحریف‌ها طراحی شده است). مثالهایی از فعالیت‌های کنترلی شامل فعالیت‌های مرتبط با تصویب، بررسی عملکرد، پردازش اطلاعات، کنترل‌های عینی و تفکیک وظایف است؛ و

• **پایش فعالیت‌های کنترلی:** شامل اعمالی است که واحد تجاری برای پایش فعالیت‌های کنترلی ناظر بر گزارشگری مالی انجام می‌دهد و نیز دربرگیرنده چگونگی تمهیدهای واحد تجاری در برخورد با نقاط ضعف شناسایی شده است.

بدین ترتیب، شناخت کنترل‌های داخلی به حسابرس امکان می‌دهد تا مشخص کند که چه کنترل‌های مربوط و مستقرشده‌ای برای آزمون کردن وجود دارد، آیا نبود کنترل‌ها خطر ساز است، چگونه یا چه زمان آزمون کنترل‌ها را به کمک آزمون محتوا ترکیب کند و چگونه اثربخشی عملیاتی کنترل‌ها و میزان اتکاپذیری کنترل‌های داخلی (از طریق کاهش حجم آزمونهای محتوا) را آزمون کند.

ب- حیطه خطر عادی که با برنامه‌های معمول حسابرسی استاندارد، پاسخ داده می‌شود. حسابرس بعد از ارزیابی خطر و به منظور گردآوری شواهد کافی و مناسب حسابرسی برای نتیجه‌گیری، به طراحی نحوه اجرای حسابرسی مناسب در برابر خطر می‌پردازد. ارزیابی خطر به طور مستمر در روند حسابرسی ادامه دارد و هر جا که ارزیابی مجدد ضروری باشد، طرح و روشهای حسابرسی نیز اصلاح می‌شود. اینک با تفصیل بیشتری به گامهای اصلی در این زمینه می‌پردازیم.

گام اول: همواره الویت با کسب شناخت است

به منظور تشخیص خطرهای مربوط به حسابرسی گزارش مالی، حسابرس نیازمند کسب شناخت مناسب از واحد تجاری و محیطی (شامل کنترل‌های داخلی) است که واحد مزبور در آن فعالیت می‌کند. قضاوت و مهارت حرفه‌ای حسابرس باتجربه با تمرکز بر نوع اطلاعات خاصی که باید در این فرایند کسب شود، به کار گرفته خواهد شد. حسابرس با استفاده از این تجربه و به وسیله به دست آوردن اطلاعاتی که تنها به طور مستقیم به فرایند حسابرسی گزارش مالی مربوط می‌شود، احتمال برخورد با اطلاعات غیر ضروری و یا اضافه بار اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و این به معنای صرفه‌جویی در منابع حیاتی همچون زمان است.

شناخت واحد تجاری شامل درک و مستندسازی ماهیت آن، صنعت مربوط، ساختار مالکیت، محیط قانونی و مقرراتی، رقبا، ساختار و فرایندهای اصلی گزارشگری مالی و محیط کنترل‌های داخلی آن است. اطلاعات از طریق پرس و جو از افراد ذیربط، مشاهده و بازرسی فرایندها و مستندات، اجرای روشهای تحلیلی روی اطلاعات اصلی مالی و غیرمالی به دست می‌آید.

شناخت چارچوب کنترل‌های داخلی واحد تجاری اغلب برای حسابرس پیچیده و مشکل به نظر می‌رسد؛ به خصوص در تشخیص کنترل‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرند و نوع و حجم اطلاعاتی که باید درباره این کنترل‌ها جمع‌آوری شود. حسابرس ملزم به شناخت همه کنترل‌های اعمال شده

گام دوم: تشخیص و ارزیابی خطر، نتیجه شناخت اولیه است

شناخت حسابرس از محیط گزارشگری مالی واحد تجاری به وی امکان می‌دهد تا خطرهایی را تشخیص دهد که ممکن است بر کلیت گزارش مالی، یا بر هر يك از رویدادهای مالی، یا بر مانده حسابها و موارد افشای آنها (در سطح ادعاها) اثر بگذارد. مهارت و قضاوت حرفه‌ای درخور توجهی نه تنها برای تشخیص چنین خطرهایی ضروری است، بلکه برای درک چگونگی امکان تأثیر آنها بر شناخت، اندازه‌گیری، ارائه و افشا در گزارش مالی یا ارزشیابی، تخصیص، وقوع، کامل بودن، صحیح بودن، انقطاع زمانی، طبقه‌بندی، وجود، حقوق و تعهدها در سطح ادعاها نیز لازم است. ماهیت خطر، همچنین چگونگی طراحی برنامه‌های کار حسابرس را تعیین می‌کند (برای مثال، از طریق ترکیب آزمونهای کنترل و انجام آزمون محتوا یا آزمونهای محتوا به تنهایی).

ارزیابی اولیه خطرها در مرحله برنامه‌ریزی حسابرسی انجام می‌شود و این ارزیابی در صورت تشخیص خطر جدید در روند حسابرسی، بازبینی و تجدید ارزیابی می‌شود. حسابرس، قضاوت حرفه‌ای را در ارزیابی و طبقه‌بندی هر خطری با توجه به توان آن در ایجاد تحریف بااهمیت در سطح کل گزارش مالی یا هر حساب و سطح ادعا به کار می‌گیرد (برای مثال وقوع، انقطاع زمانی و ارزشیابی موجودیها).

طبقه‌بندی خطر مشخص می‌کند که خطر معمولی است یا بیش از حد معمول (خطر عمده). خطر معمولی، خطری است دارای احتمال وقوع، حتی در صورت تشخیص نبود خطر عمده، خطر در سطح معمولی وجود خواهد داشت. اگر تشخیص داده شود خطر عمده وجود ندارد، آنگاه خطر در سطح معمولی وجود دارد. ممکن است حسابرس شرایطی را تشخیص دهد که او را به سمتی هدایت کند که متقاعد شود احتمال وقوع خطر وجود دارد. چنین شرایطی در مورد هر واحد تجاری، خاص همان واحد است و شناسایی شرایط مزبور ممکن است ناشی از تجربه‌های قبلی حسابرس از آن واحد، آگاهی از اشتغال کارکنان بی‌تجربه واحد تجاری در محیطی پیچیده، و یا اطلاع

حسابرس از مشکلاتی آشکار در کسب یا تأیید اطلاعات مشخص و لازم برای حسابرسی باشد. خطرهای عمده، به‌طور دقیق برحسب ماهیت خود، حسابرس را ملزم به طراحی روشهای مشخص و خاص حسابرسی برای پاسخگویی به آنها می‌کند؛ روشهایی که در برنامه‌های کار حسابرسی به‌طور معمول مناسب نیستند.

ارزیابی خطر، ماهیت، زمان‌بندی و میزان روشهای حسابرسی متناسب برای برخورد با آن را تعیین می‌کند. قاعده کلی این است که هرچه سطح خطر بالاتر باشد، شواهد حسابرسی گسترده‌تری برای کاهش توان خطر به سطح قابل پذیرش لازم است. بنابراین، ارزیابی صحیح خطر برای استفاده اثربخش و کارا از وقت و تلاش حسابرس در آزمون خطرهای عمده، کاری مهم است.

گام سوم: برخورد با خطر شناسایی شده

برخورد با خطر، حسابرس را ملزم می‌کند تا "از طریق طراحی و به‌کارگیری واکنش مناسب در برابر خطرها به کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب درخصوص خطرهای تحریف بااهمیت ارزیابی شده" بپردازد (بند ۳ استاندارد حسابرسی ۳۳۰ استرالیا). حسابرس باید با واکنش برنامه‌ریزی شده به منظور کسب شواهد کافی و مناسب حسابرسی که مبنای اظهار نظر او قرار می‌گیرد، هر یک از خطرهای شناسایی شده را به‌طور مستقیم به سطح ادعاها و اثر آن بر کلیت گزارش مالی، مرتبط سازد.

حسابرس مجرب، برخورد با خطرهای ارزیابی شده را براساس مبنای زیر طراحی می‌کند:

- اثر کلی که خطر شناسایی شده ممکن است بر گزارش مالی داشته باشد (برای مثال، بیش‌نمایی یا کم‌نمایی در مانده حسابهایی با اهمیت مشخص)؛
- اثری که خطر شناسایی شده در سطح ادعاها برای هریک از گروه معامله‌ها، مانده حسابها یا موارد افشا دارد؛ و
- میزان دستیابی نتایج حاصل از آزمونهای پیش‌بینی شده به هدفهای آزمونها.

طراحی برنامه‌های حسابرسی برای توجه به خطرهای مشخص شده، مستلزم این موارد است:

گام چهارم: نتیجه‌گیری در خصوص عرصه‌های خطر

بعد از اجرای روش‌های حسابرسی و به‌منظور برخورد با خطرهای ارزیابی‌شده، حسابرس باید شواهد کسب‌شده را ارزیابی کرده تا مشخص کند آیا ارزیابی مقدماتی خطر در سطح ادعاها، کم‌اکان مناسب به‌نظر می‌رسد و آیا اطمینان معقولی وجود دارد که تحریف بااهمیتی در میان نیست. شواهد باید در مورد هریک از ادعاها بااهمیت گزارش مالی، متقاعدکننده باشد؛ در غیر این صورت، باید روش‌های حسابرسی بیشتری برای کسب چنین شواهدی اجرا شود. اگر کسب این‌گونه شواهد امکان‌پذیر نباشد، ارائه اظهارنظر مشروط یا نبود اظهارنظر در گزارش حسابرس، ضرورت دارد. زمانی که شواهد مناسب و کافی جمع‌آوری شود، حسابرس قادر به نتیجه‌گیری در خصوص خطر کلی تحریف بااهمیت در مجموعه گزارش مالی است.

درک صحیح خطر برابر با کارایی و اثربخشی است

انجام ارزیابی صحیح و به‌موقع خطر و فرایند برخورد با خطر از سوی حسابرس با تجربه، پایه کل فرایند حسابرسی است. به عبارت دیگر، این پایه توجه حسابرس را بر شناسایی، ارزیابی و مقابله با خطرهایی که توان تأثیر بااهمیت بر گزارش مالی را دارند، متمرکز می‌سازد. رویکرد حسابرسی مبتنی بر خطر، حسابرس را به رویکردی مجهز می‌سازد که حسابرسی را با بیشترین اثربخشی و کارایی ممکن اجرا کند که این امر به نفع گروه حسابرسی و واحد مورد رسیدگی است.



منبع:

Fraser S., **The Risk-based Audit Approach**, Chartered Accountants Australia and New Zealand, 2016

- تعیین اهداف آزمون (چه ادعاهایی و چرا باید مورد آزمون قرار گیرد)،
 - تشخیص این‌که آیا استفاده از کار متخصص و کارشناس ضرورت دارد،
 - تشخیص زمان مناسب توجه به خطر (در خلال دوره و یا پایان سال)،
 - تعیین (در صورت اقتضا) قابلیت استفاده از شواهد حسابرسی قبلی (شامل چگونگی به‌روزرسانی آنها برای حسابرسی دوره جاری)،
 - تشخیص وجود کنترل‌های مرتبط برای اجرای آزمون،
 - مشخص ساختن نوع آزمون‌ها با توجه به حیطه‌های دارای خطر عادی و خطر عمده یا به عبارتی تعیین لزوم انجام آزمون‌های محتوا به‌تنهایی و یا انجام ترکیبی از آزمون‌های کنترل و محتوا،
 - تعیین میزان اتکای بر نتایج آزمون‌ها، و
 - تعیین لزوم اجرای روش‌های حسابرسی اضافی در صورتی که آزمون‌ها مسائل و مشکلهایی را نشان دهد.
- نکته مهمی که باید در طراحی مراحل برنامه حسابرسی در برخورد با خطر عادی خاطر نشان کرد، عبارت است از توجه دقیق به این موضوع که آزمون کنترل در صورتی باید اجرا شود که آزمون محتوای حسابرس بر اثربخشی عملیاتی آن کنترل، اتکا دارد و یا آن را فرض می‌گیرد و یا این‌که حسابرس اعتقاد دارد آزمون محتوا به‌تنهایی شواهد حسابرسی مناسب و کافی فراهم نمی‌سازد (برای مثال، در مورد معامله‌هایی که به‌طور کامل خودکارند و با دخالت اندک و یا بدون دخالت دست ثبت می‌شوند). آزمون محتوای حسابرس شامل آزمون جزئیات و/یا روش‌های تحلیلی محتوایی است.
- در حوزه‌های با خطر عمده، حسابرس برای برخورد با آن خطر‌ها باید روش‌های محتوایی را در نظر بگیرد. این روش‌ها می‌تواند شامل آزمون جزئیات و روش‌های تحلیلی باشد. در نهایت، یادآوری می‌شود که فارغ از ارزیابی خطر برای تمامی طبقه‌های مهم معامله‌ها، مانده حسابها و موارد افشا، سطح مشخصی از آزمون‌های محتوا باید اجرا شود.